

از آن اخبار نیناید هر چند پیدایش صیقل معجزات با بهره عمل آورد  
 زنگ شرک از دل اینین او بخیلی نشد و با وجود نقیان بین که در  
 ایمان دلالت مینمود سر برافنی آورد بلکه چون با مردم سر از سورا  
 پردن میکرد تا کارشس بوجامت عاقبت رسید و بسود و خا  
 انجامید و بجانش بر جر رسیده بود که غیر از کرام الکاتبین بر  
 اکل او اطلاع نیافتی و جز کس سحر بر سر سفره او نشستی  
 بعدی که تفاوت اثبات بر لوح آثار اثبات کرده اند که آنرا در  
 علیه السلام بفرمان الهی باطنی اسرار از محال فرمودند و فرمودند  
 از عقب ایشان آخت میکرد در هر مطبخ او بغیر از یک کوفتند  
 که کین نگشته بودند و بجز آن تغذی نموده و گوشت بجز شمشاد  
 موقوف داشت که بعد از معاد دت با خواص خود تناول فرمایند  
 و خود مالک از برای نزل ادوات که این از ضرب و زقوم و عسین  
 ترتیب نموده بود و حکما گفته اند که بر باد شاه و اجسبت که بر جز  
 رعایت نماید اول ابادانی خزان و مملکت دوم شفقت و رفت  
 بر رعیت سیوم اکو کارهای بزرگ مردم خرد رجوع فرمایند و از

نوی

بعضی آل ساسان پرسیدند که سبب زوال دولت چهارم از اسلا  
 از خاندان شجاع بود گفت که کارهای بزرگ را این اهل عقل و کما  
 بود مردم خرد و بی بازگذاشتیم و گفته اند که اساس سبب بولت  
 برده قاعده است بی که هر قضیه واقع شود فرض کند که خود رعیت  
 است و پادشاه دیگری در جزیر خود راند اندازد بر رعیت حایز  
 ندارد و دوم آنکه اشظار را باب حاجات رواندازد بلکه شظ قدم  
 ایشان باشد و از نظر آن بر جزد باشد و ارسطو طالیس اسکندر  
 اگر اعانت خدای تعالی خواهی در اعانت فریاد خوانان مساعت  
 کن سیوم آنکه اوقات خود را مستغرق شنوات و لذات  
 جسمانی ندارد و چوقوی ترین اسباب فساد ملک همینست بلکه از  
 اوقات راحت و فراغت چیزی صرف تدبیر مملکت و مصالح رعیت  
 نماید چکی نصیحت پادشاه میکرد و گفت خواب غفلت مکن تا  
 ضایعان مملکت بر تو برنجند و شکایت تو بدرگاه حق نزنند  
 و خواب چندان مکن که عمر تنای کنی و دولت و عمر چون اقبالند که  
 با مداد دیواری در شبها نگاه دیواری باشد و چنان کن که تو یار را